

اثربخشی گروه درمان‌گری به روش تحلیل رفتار متقابل بر نظم‌جویی شناختی هیجان و صمیمیت زناشویی زنان آسیب دیده از خیانت همسر

نغمه فاضل همدانی<sup>۱</sup>، رضا قربان‌جهرمی<sup>۲</sup>

## Effectiveness of Group Therapy using Transactional Analysis (TA) on Cognitive Emotion Regulation and Marital Intimacy of Betrayed Women

Naghme Fazel Hamedani<sup>1</sup>, Reza Ghorban Jahromi<sup>2</sup>

### چکیده

**زمینه:** پژوهش‌ها نشان می‌دهد کاهش صمیمیت زناشویی زوجین یکی از دلایل اساسی خیانت همسران است و تنظیم هیجانی نقش اساسی و تأثیرگذار در صمیمیت زناشویی و کنار آمدن با پیامدهای افشای ارتباط فرازناشویی دارد. مسئله پژوهش حاضر این است که آیا گروه درمان‌گری به روش تحلیل رفتار متقابل می‌تواند باعث بهبود نظم‌جویی شناختی هیجان و افزایش صمیمیت زناشویی زنان آسیب‌دیده از خیانت همسر شود؟  
**هدف:** پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی درمان تحلیل رفتار متقابل بر نظم‌جویی شناختی هیجان و صمیمیت زناشویی زنان آسیب‌دیده از روابط فرازناشویی همسر انجام شد. **روش:** پژوهش حاضر نیمه‌آزمایشی با پیش‌آزمون و پس‌آزمون و گروه کنترل بود. بدین منظور تعداد ۳۰ نفر از زنان آسیب‌دیده از روابط فرازناشویی منطقه یک شهر تهران در سال ۱۳۹۷ به روش در دسترس انتخاب و به صورت تصادفی به دو گروه آزمایش و کنترل تخصیص یافتند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان گارنفسکی و همکاران (۲۰۰۱) و پرسشنامه صمیمیت زناشویی تامپسون و واکر (۱۹۸۳) استفاده شد. گروه آزمایشی بطور هفتگی در ۱۰ جلسه ۲ ساعته درمان شرکت کردند و گروه کنترل هیچ مداخله‌ای دریافت نکردند. بعد از اطمینان از نرمال بودن توزیع داده‌ها توسط آزمون شاپیرو ویلک، برای تحلیل فرضیه‌های پژوهش از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده شد. **یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد که گروه درمان‌گری به روش تحلیل رفتار متقابل موجب بهبود تنظیم شناختی هیجان و افزایش صمیمیت زناشویی زنان آسیب‌دیده از خیانت همسر ( $p < 0/05$ ) می‌شود. **نتیجه‌گیری:** یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که گروه درمان‌گری به روش تحلیل رفتار متقابل می‌تواند باعث بهبود تنظیم شناختی هیجان و افزایش صمیمیت زناشویی زنان خیانت دیده شود. **واژه کلیدی‌ها:** تحلیل رفتار متقابل، تنظیم شناختی هیجان، صمیمیت زناشویی، روابط فرازناشویی

**Background:** Studies shows that diminished marital intimacy is one of the main reasons of the spouse's betrayal and emotional regulation plays a key role in the marital intimacy and coping with the consequences of revealing a marital betrayal. But problem is, whether Group Therapy using Transactional Analysis (TA) can improve the Emotion Regulation and Marital Intimacy of betrayed women? **Aims:** The purpose of the present study was to determine the efficacy of Group Therapy using Transactional Analysis (TA) on Cognitive Emotion Regulation and Marital Intimacy of women affected by marital betrayal. **Method:** This study used semi-experimental method with pre-test, post-test and control group. To this end, 30 women injured by the exaggerated relations in 1397 were selected by random sampling method and assigned to two experimental and control groups. To collect the data, the Emotional Regulation Questionnaire (Gravovsky et al. , 2001) and Thompson and Walker's Marital Intimacy Questionnaire (1983) was used. The experimental group participated weekly in 10 sessions of 2 hours of group therapy. After ensuring the normal distribution of the data obtained from these questionnaires using Shapiro Wilk test, in order to analyze the research hypotheses, the covariance analysis test was used **Results:** the results showed that the group therapy by means of interaction analysis Improve cognitive-emotional regulation and increase the marital intimacy of women injured by husband's betrayal ( $p < 0/05$ ). **Conclusions:** In general, the findings of the research indicate that the treatment group by interaction analysis method can improve the cognitive management of the excitement of women in betrayal and affect their marital empathy. **Key words:** Transactional Analysis (TA), cognitive emotion regulation, marital intimacy, Extra Marital Relationship

Corresponding Author: rrgorban@gmail.com

۱. کارشناس ارشد مشاوره خانواده دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران

۱. M A in Family Counseling, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran

۲. استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۲. Assistant Professor , Department of Psychology, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author)

## مقدمه

خیانت<sup>۱</sup> زناشویی مسأله‌ای آسیب‌زا برای همسران و خانواده‌ها و پدیده‌ای رایج برای درمانگران ازدواج و خانواده است (آتکینز، باکوم و جاکوبسن، ۲۰۰۱). هاو کینس، ویلو قبا و دوهرتی (۲۰۱۲) دریافتند که خیانت زناشویی<sup>۲</sup> یکی از عمده‌ترین دلایلی است که زوجین را برای طلاق، به کلینک‌های مشاوره خانواده می‌آورد. پس از افشای خیانت همسر، احساس امنیتی که از اعتماد بین فردی در روابط زوجی حاصل شده از بین می‌رود. یک تجربه آسیب‌زای شدید هم‌چون خیانت، در یک لحظه، منابع مقابله‌ای و یکپارچگی فرد را مضمحل ساخته و فرد را به سمت احساس درماندگی سوق می‌دهد (کلاسن، ۲۰۰۷) و بدنبال خیانت، اعتماد ایجاد شده در روابط دو نفره به سادگی موجب تخریب فرض‌های مشترک، باورها و انتظارات از این رابطه می‌شود (استفانو و آلا، ۲۰۰۸).

آمارهای موجود در زمینه خیانت بسیار متفاوت هستند. بر اساس یکی از معتبرترین مطالعات انجام شده در این زمینه (بائوکام، اسنایدر و گوردون، ۲۰۰۹) مشخص شده است که ۲۱ درصد از مردان و ۱۱ درصد از زنان در طول زندگی مرتکب خیانت زناشویی می‌شوند. خیانت و روابط فرازناشویی<sup>۳</sup> پدیده‌ای است که اغلب به خاطر برطرف شدن نیازهای عاطفی فرد از طریق روابط خارج از حیطه زناشویی به وقوع می‌پیوندد (گوردون، ۲۰۰۴). بی‌وفایی و خیانت زناشویی نوعی اختلال در رفتار است، زیرا با توجه به عوارض نابهنجار و نامطلوب که به همراه دارد، آسیب‌ها و مشکلات مختلفی را برای هر یک از افراد دیگر ایجاد می‌نماید (استفانو، ۲۰۱۲). یکی از مهمترین انگیزه‌های زن و مرد متأهل که به سوی روابط نامشروع کشیده می‌شوند، تجربه مجدد صمیمیت فیزیکی، جنسی و فردی است. چیزی که دیگر در زندگی زناشویی خود نمی‌بینند (اسنایدر، بوکوم و گوردون، ۲۰۰۷).

در مواقع کشف ارتباط فرا زناشویی، همسر آسیب‌دیده ممکن است تعادل رفتاری، شناختی و هیجانی خود را از دست بدهد (گوردون، ۲۰۰۴) و باعث بروز نشانه‌هایی شبیه اختلال تنش‌زای پس از سانحه و همچنین احساساتی مانند افسردگی، خشم، ناامیدی، عدم اعتماد به نفس، از دست دادن هویت و احساس بی‌ارزشی در همسری

می‌شود که به او خیانت شده است (امارزو، میلر، سچالتزو تیمرمن، ۲۰۱۲). زوج‌هایی که خیانت را تجربه کرده‌اند غالباً کارکرد ضعیف-تری در روابط زناشویی و اختلال شناختی و هیجانی شدیدتری نسبت به زوج‌هایی که هیچ وقت تجربه خیانت را نداشته‌اند، گزارش می‌کنند و در مواقع کشف ارتباط فرازناشویی، همسر آسیب‌دیده ممکن است تعادل رفتاری، شناختی و هیجانی خود را از دست بدهد (گوردون و باکوم، ۲۰۰۴).

چگونگی ارزیابی نظام شناختی فرد در مواجهه با حوادث منفی از اهمیت بالایی برخوردار است و سلامت روانی افراد حاصل تعامل راهبردهای نظم‌جویی شناختی تجربه‌های هیجانی و ارزیابی درست از موقعیت‌های تنیدگی‌زا است. نظم‌جویی هیجانی فرآیندی است که از طریق آن افراد هیجانان خود را برای رسیدن به یک پیامد مطلوب تعدیل می‌کنند (گارفنلسکی، کرایچ و اسپین‌هون، ۲۰۰۲). راهبردهای نظم‌جویی هیجان، زیرمجموعه کوچکی از یک سازه وسیع به نام کفایت هیجانی<sup>۴</sup> هستند. کفایت هیجانی به این اشاره دارد که چگونه افراد به طور مؤثر با هیجانان و مشکلات دارای بار هیجانی کنار می‌آیند (کیاروچی، اسکات، دینه و هیون، ۲۰۰۳). نظم‌جویی شناختی هیجان به‌عنوان فرآیند آغاز، حفظ، تعدیل یا تغییر در بروز، شدت یا استمرار احساس درونی و هیجان مرتبط با فرآیندهای اجتماعی و روانی، جسمانی در به انجام رساندن اهداف فرد تعریف می‌شود (گراس، ۲۰۰۷). هیجانان دارای قدرت بالایی هستند به این صورت که می‌توانند باعث واکنش مثبت یا منفی در افراد شوند؛ بنابراین زمانی که هیجانان شدید یا طولانی می‌شوند و یا با شرایط سازگار نیستند آن زمان نیاز به تنظیم هیجانی است (گراس، ۲۰۰۳). نظم‌جویی شناختی هیجان<sup>۵</sup> یکی از مؤلفه‌هایی است که می‌تواند در کیفیت روابط زناشویی تأثیرگذار باشد و نقش اساسی و تأثیرگذار در کیفیت زندگی زناشویی دارد (بلاچ، هاس و لونسون، ۲۰۱۴). زوج‌های آشفته به طور معمول صمیمیت، نزدیکی و محبت کمتری را نسبت به یکدیگر ابراز می‌کنند (هالفورد، ساندرز و بهرنزه، ۲۰۰۱). همچنین، مهم‌ترین انگیزه زن و مرد متأهلی که به سوی روابط نامشروع کشیده می‌شوند، تجربه مجدد صمیمیت فردی و جنسی است. چیزی که دیگر آن را در زندگی مشترک‌شان نمی‌یابند.

4. Emotional competence

5. cognitive emotional regulation

1. infidelity

2. marital betrayal

3. extramarital affairs

همچون مشکلات در روابط است (وینلا، ۲۰۱۳). پژوهش‌ها نشان داده است که آموزش تحلیل رفتار متقابل باعث افزایش عملکرد کلی خانواده و حیطه‌های آن در زوج‌ها (سودانی، مهربانی زاده هنرمند و سلطانی، ۱۳۹۱)، افزایش رضایت‌مندی، احساسات مثبت و مهارت‌های زناشویی (اکبری، پورشریفی، عظیمی و فهیمی، ۱۳۹۱)، و نیز افزایش صمیمیت آنان (نیری، لطفی و نورانی، ۲۰۱۴) شده است. با توجه به مبانی نظری و پیشینه‌های پژوهشی ذکر شده در خصوص متغیرها، مسأله اساسی پژوهش حاضر این است که آیا گروه درمانگری به روش تحلیل رفتار متقابل در بهبود نظم‌جویی شناختی هیجان و صمیمیت زناشویی زنان آسیب دیده از خیانت همسر اثربخش است؟

### روش

طرح پژوهش نیمه‌آزمایشی از نوع پیش‌آزمون\_ پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه‌ی آماری شامل زنان آسیب‌دیده از روابط فرازناشویی منطقه یک شهر تهران در سال ۱۳۹۷ بود. با احتساب افت احتمالی آزمودنی‌ها نمونه‌ای به حجم ۳۴ نفر که شرایط ورود به پژوهش را داشتند انتخاب و به‌صورت تصادفی دو گروه آزمایش و کنترل گمارده شدند و ۱۵ نفر از هر گروه تا پایان پژوهش به همکاری ادامه دادند. گروه آزمایش تحت مداخله قرار گرفت و طی این مدت گروه کنترل مداخله‌ای دریافت نکرد. پس از مداخله، برای هر دو گروه پس‌آزمون به عمل آمد. معیارهای ورود شامل بودن در محدوده سنی ۲۰-۴۰ سال و داشتن سابقه خیانت دیدگی در دوره زمانی کمتر از یک سال و حداقل سواد خواندن و نوشتن، عدم تشخیص سایر اختلالات روان‌شناختی و تمایل به شرکت در جلسات درمانی بودند.

### ابزار

پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان<sup>۳</sup>: این پرسشنامه توسط گارنفسکی و همکاران (۲۰۰۱) تدوین شده که یک پرسشنامه چند بعدی و یک ابزار خود گزارشی و شامل ۳۶ ماده است. این ابزار ۹ راهدرد شناختی ملامت خویش، پذیرش، نشخوارگری، تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت، دیدگاه پذیرایی، فاجعه‌انگاری و ملامت دیگران را ارزیابی می‌کند. دامنه نمرات آن از ۱ (تقریباً هرگز) تا ۵ (تقریباً همیشه) است. هر زیر مقیاس

جانسون (۲۰۰۴) و همچنین مکینن و جانسون (۲۰۰۶) دریافتند خیانت موجب از بین رفتن و یا زیان دیدن اعتماد بین فردی و صمیمیت زناشویی<sup>۱</sup> در همسر آسیب دیده می‌گردد. یکی از دلایل اساسی خیانت همسران، ناسازگاری و عدم صمیمیت زناشویی زوجین است که پس از کشف و افشاء خیانت کاهش بیشتری می‌یابد (شاکلفورد، ۲۰۰۰). صمیمیت به عنوان توانایی برقراری ارتباط با دیگران با حفظ فردیت تعریف می‌شود. این گونه تعاریف مبتنی بر خویشتن، حاکی از آن است که فرد به درجه‌ای از رشد دست یابد تا بتواند با دیگران رابطه‌ای صمیمانه برقرار کند. رضایت زناشویی می‌تواند در زوج‌هایی که میزان صمیمیت بالاتری دارند، بیشتر باشد یا به عبارتی، زوج‌هایی که صمیمیت بالاتری دارند ممکن است قابلیت بیشتری در مواجهه با مشکلات و تغییرات مربوط به رابطه خود داشته باشند و در نتیجه رضایت زناشویی بالاتری را تجربه کنند (پاتریک و دیگران، ۲۰۰۷). باوکام و همکاران (۲۰۰۹) نشان داده‌اند که پیامدهای زیان‌بار خیانت می‌تواند برای مدت طولانی و شاید برای همیشه دوام داشته باشد، مگر اینکه زوجین درمان مناسبی دریافت کنند. پژوهشگران زیادی به بررسی تأثیر روان‌درمانی بر کیفیت، مؤلفه‌های مثبت زناشویی و نظم‌جویی شناختی هیجان آسیب‌دیدگان از روابط فرازناشویی پرداخته‌اند؛ گزارش آنها نشان می‌دهد که روان‌درمانی‌های مختلف تأثیر معناداری بر تأثیرات آسیب‌دیدگان روابط فرازناشویی دارد (گوردون، ۲۰۰۴؛ اتکینز، الدرک، باوکام و کریستنسن، ۲۰۰۵؛ استفانو و الا، ۲۰۰۸؛ گورمن، لیبو و سیندر، ۲۰۱۵). در کنار رویکردهای نظری مختلف که بدنال تبیین و حل تعارض‌های زناشویی هستند، رویکرد تحلیل رفتار متقابل<sup>۲</sup> از جنبه وسعت کاربرد و عمق نظری برجسته است (جونز و استوارت، ۱۳۹۰). این رویکرد توسط اریک برن پایه‌گذاری شده و از نظر عملی یکی از ریزین شیوه‌های گروه درمانی است (شفیع‌آبادی و ناصری، ۲۰۱۰). مشاوره تحلیل رفتار متقابل یک رابطه کمک‌کننده است که در آن درمانگر واجد شرایط، با استفاده از روش‌های تحلیل رفتار متقابل، آگاهی «بالغ» را از چشم‌انداز حل مسأله در مراجع یا گروه افزایش می‌دهد. روش‌های تحلیل رفتار متقابل برای ایجاد تغییر از طریق شیوه‌های مناسب مبتنی بر اینجا و اکنون به کار گرفته می‌شود و هدف آن افزایش آگاهی شناختی و هیجانی مراجع نسبت به حوزه آسیب دیده

3. Emotional Regulation Questionnaire

1. marital intimacy

2. transactional analysis (TA)

بر اساس داده‌های ۱۰۰ زوج در اصفهان ۹۶٪ به دست آورد. نعیم (۱۳۸۷) نیز، برای تعیین پایایی پرسشنامه صمیمیت از دو روش آلفای کرونباخ و تنصیف استفاده کرد که به ترتیب برابر ۰/۹۶ و ۰/۹۶ بیان‌گر پایایی مطلوب پرسشنامه یاد شده است.

برنامه مداخله: ساختار جلسات تحلیل تبدلی بر اساس الگو و پروتکل درمانی مبتنی بر کتاب روش‌های نوین در روانشناسی تحلیل رفتار متقابل (استوارت، جونز، ۲۰۰۹) استخراج و مورد استفاده قرار گرفت. لذا در این پژوهش با توجه به شرایط موجود برنامه آموزشی تحلیل رفتار متقابل برای گروه آزمایش به مدت ۱۰ جلسه‌ی ۱۲۰ دقیقه‌ای و یک بار در هفته به شکل گروهی اجرا شد.

### داده‌ها و یافته‌ها

میانگین و انحراف استاندارد سنی آزمودنی‌ها به ترتیب برای گروه آزمایش ۳۰/۹۳ و ۲/۷۱ و برای گروه گواه ۳۱/۲۱ و ۲/۶۹ بود. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای تنظیم هیجانی و صمیمیت زناشویی به تفکیک گروه آزمایش و گواه در دو موقعیت پیش-آزمون و پس‌آزمون در جدول ۱ ارائه شده است.

شامل ۴ گویه است (گارنفسکی و همکاران، ۲۰۰۱؛ به نقل از حسنی و میرآقایی، ۱۳۹۱). ضریب آلفا خرده مقیاس‌های این پرسشنامه به وسیله گارنفسکی و همکاران (۲۰۰۲) در دامنه ۰/۷۱ تا ۰/۸۱ گزارش شده است. نسخه فارسی پرسشنامه نظم‌جویی شناختی هیجان (CERQ-P) در ایران توسط حسنی (۱۳۸۹) مورد هنجاریابی قرار گرفته است. در این مطالعه، اعتبار مقیاس بر اساس روش‌های همسانی درونی (با دامنه آلفای کرونباخ ۰/۷۶ تا ۰/۹۲) و بازآزمایی (با دامنه همبستگی ۰/۵۱ تا ۰/۷۷) و روایی پرسشنامه مذکور از طریق تحلیل مؤلفه اصلی با استفاده از چرخش واریماکس، همبستگی بین خرده مقیاس‌ها (با دامنه همبستگی ۰/۳۲ تا ۰/۶۷) و روایی ملاکی، مطلوب گزارش شده است.

پرسشنامه صمیمیت زناشویی<sup>۱</sup> این پرسشنامه توسط تامپسون و واکر (۱۹۸۳؛ به نقل از ثنایی، ۱۳۷۹) تهیه شده که دارای ۱۷ ماده است و برای سنجش مهر و صمیمیت تدوین شده است. نمره‌گذاری آن بر روی یک مقیاس لیکرتی ۷ درجه‌ای، از ۱ (هرگز) تا ۷ (همیشه) صورت می‌گیرد. هر چه نمره فرد در این پرسشنامه بیشتر باشد، صمیمت بالاتری را تجربه می‌کند. ثنایی (۱۳۷۹) ضریب پایایی آن را

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی پیش‌آزمون و پس‌آزمون اجتناب شناختی در دو گروه آزمایش و کنترل

گروه	متغیر	مراحل	میانگین	انحراف معیار
آزمایش	راهبردهای انطباقی تنظیم شناختی هیجان	پیش‌آزمون	۵۰/۹۰	۷/۶۲
		پس‌آزمون	۷۵/۹۰	۷/۲۸
	راهبردهای غیر انطباقی تنظیم شناختی هیجان	پیش‌آزمون	۴۷/۰۹	۷/۱۰
		پس‌آزمون	۳۱/۷۲	۷/۸۱
	صمیمیت زناشویی	پیش‌آزمون	۴۰/۱۰	۶/۶۰
		پس‌آزمون	۸۹/۸۰	۵/۷۳
کنترل	راهبردهای انطباقی تنظیم شناختی هیجان	پیش‌آزمون	۵۰/۰۰	۸/۲۱
		پس‌آزمون	۵۱/۶۳	۷/۵۱
	راهبردهای غیر انطباقی تنظیم شناختی هیجان	پیش‌آزمون	۴۵/۰۰	۸/۰۸
		پس‌آزمون	۴۵/۷۳	۷/۸۰
	صمیمیت زناشویی	پیش‌آزمون	۵۶/۶۰	۱۱/۲۹
		پس‌آزمون	۴۸/۹۰	۱۰/۴۵

از تحلیل کوواریانس چند متغیره استفاده شد. مفروضه‌های اجرای تحلیل کوواریانس شامل همبستگی متوسط بین متغیر همپراش و وابسته، طبیعی بودن توزیع نمرات متغیرها با آزمون شاپیرو ویلک ( $P > 0/05$ )، همگنی شیب خط رگرسیون،

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد میانگین نمرات پس‌آزمون راهبردهای غیر انطباقی تنظیم شناختی هیجان گروه آزمایش نسبت به نمرات پیش‌آزمون، کاهش و نمرات صمیمیت زناشویی و راهبردهای انطباقی تنظیم شناختی هیجان افزایش یافته است. برای تحلیل داده‌ها

<sup>۱</sup>. Marital Intimacy Questionnaire

معناداری وجود دارد. برای بررسی این که گروه آزمایش و گواه در کدام یک از متغیرهای وابسته با یکدیگر تفاوت دارند، در جدول ۳ نتایج آزمون تحلیل واریانس تفاوت گروه‌ها گزارش شده است. با توجه به جدول ۳، آماره F برای راهبردهای انطباقی تنظیم شناختی هیجان (۱۸/۲۴)، راهبردهای غیرانطباقی تنظیم شناختی هیجان (۱۴/۴۶) و صمیمیت زناشویی (۱۵/۱۷) در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است؛ بنابراین در متغیرهای ذکر شده تفاوت معناداری بین گروه آزمایش و کنترل وجود دارد. لذا می‌توان گفت گروه درمانگری به روش تحلیل رفتار متقابل بر کاهش استفاده از راهبردهای غیرانطباقی تنظیم شناختی هیجان و افزایش راهبردهای انطباقی تنظیم شناختی هیجان و صمیمیت زناشویی تأثیر دارد. همچنین اندازه اثر در جدول ۵ نشان می‌دهد که گروه درمانگری به روش تحلیل رفتار متقابل ۵۱ درصد از تغییرات راهبردهای انطباقی تنظیم شناختی هیجان، ۴۶ درصد از راهبردهای غیرانطباقی تنظیم شناختی هیجان و ۴۷ درصد از تغییرات صمیمیت زناشویی را تبیین می‌کند.

همگنی واریانس خطا (M BOX= ۶/۴۸۹، F=۰/۶۶۱، P>۰/۰۵) و همگنی واریانس‌ها با آزمون لوین (P>۰/۰۵) کنترل و احراز گردید. نتایج آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیره برای متغیرهای وابسته راهبردهای انطباقی و غیر انطباقی تنظیم شناختی هیجان و صمیمیت زناشویی در گروه‌ها در جدول ۲ گزارش شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیره					
آزمون	مقدار اثر	F	df	سطح معناداری	اندازه اثر
اثر پیلای	۰/۷۲۶	۹/۱۵۵	۶	۰/۰۱	۰/۳۹۰
لامبدای ویلکز	۰/۲۸۱	۱۳/۴۶۴	۶	۰/۰۱	۰/۴۹۸
اثر تی هلینگ	۲/۶۲۳	۱۸/۴۶۹	۶	۰/۰۱	۰/۵۸۸
برزگترین ریشه روی	۲/۶۰۹	۱۸/۵۰۱	۳	۰/۰۱	۰/۷۴۴

با توجه به جدول ۲، آماره F تحلیل کوواریانس چندمتغیره (۱۸/۵۰۱) در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است؛ بنابراین می‌توان گفت که بین گروه آزمایش و گواه از لحاظ راهبردهای انطباقی و غیر انطباقی تنظیم شناختی هیجان و صمیمیت زناشویی در پس آزمون تفاوت

جدول ۳. نتایج تحلیل واریانس تفاوت گروه آزمایش و گواه در تنظیم شناختی هیجان و صمیمیت زناشویی						
منبع	متغیرهای وابسته	SS	df	MS	F	سطح معناداری
گروه	راهبردهای انطباقی تنظیم شناختی هیجان	۲۷۹۲/۳۴	۱	۲۷۹۲/۳۴	۱۸/۲۴	۰/۰۰۰
	راهبردهای غیرانطباقی تنظیم شناختی هیجان	۱۱۵۹/۸۳	۱	۱۱۵۹/۸۳	۱۴/۴۶	۰/۰۰۰
	صمیمیت زناشویی	۱۲۳۹/۷۸	۱	۱۲۳۹/۷۸	۱۵/۱۷	۰/۰۰۰

ها به هنگام رویارویی با رویدادهای محیطی تنیدگی‌زایی همچون خیانت همسر، این امکان را برای افراد فراهم می‌کند تا از بروز هیجان‌های منفی و رفتارهای ناسازگارانه جلوگیری کنند. به عبارتی، افکار و شناخت‌های فرد می‌توانند توانایی قابل ملاحظه‌ای در مدیریت و کنترل هیجان‌ها و احساسات فرد به هنگام مواجهه با این موقعیت هیجان‌آور داشته باشند. افرادی که از راهبردهای شناختی ضعیف مانند نشخوار فکری، فاجعه‌سازی و ملامت خویش استفاده می‌کنند، نسبت به سایر افراد بیشتر به خیانت همسر آسیب‌پذیر هستند. در حالی که در افرادی که از راهبردهای مطلوب دیگر مانند ارزیابی مجدد مثبت استفاده می‌کنند، آسیب‌پذیری کمتری دارند (گارفنسکی و کرجی، ۲۰۰۶). در تبیین یافته‌های پژوهش می‌توان اظهار داشت که در رویکرد تحلیل تبادل، "من" بالغ متمرکز بر زمان حال، اینجا و اکنون و متناسب با موقعیت

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده نشان داد که درمان مبتنی بر تحلیل رفتار متقابل قادر به بهبود نظم جویی شناختی هیجان زنان آسیب دیده از خیانت همسر است. این یافته با شماری از نتایج مطالعات انجام شده (رضاپور میر صالح، عینی، آیین پرست و حشمتی، ۱۳۹۳؛ جهانبخش، بهادری، امیری و اصغر مبارک، ۲۰۱۴؛ بوگلز و برچمن، ۲۰۰۶؛ ویدوسن، ۲۰۱۴؛ صادقی و همکاران، ۱۳۹۲؛ سودانی و همکاران، ۱۳۹۱؛ لیو و همکاران، ۲۰۰۹؛ و هنری، ۲۰۱۴) همسو است. راهبردهای نظم جویی هیجان نقش مهمی در سازگاری و کنار آمدن با موقعیت‌های تنیدگی‌زا ایفا می‌کنند. زیرا این راهبردهای نظم جویی شناختی هیجان فرآیندهای شناختی هستند که افراد به منظور مدیریت رویدادهای هیجان‌آور و تنیدگی‌زا به کار می‌گیرند (گارفنسکی، بون و کرجی، ۲۰۰۳). توانایی مدیریت صحیح هیجان

فعلی است و در نتیجه "بالغ" است که همیشه خودمختار است و رشد روانی "من" بالغ فرآیندی پیوسته است. در روش آلودگی‌زدایی باورهای آلوده در فرآیند آلودگی مورد بررسی و چالش دقیقی قرار می‌گیرند. شناسایی باورهای پیش-نویس می‌تواند سبب هدایت آنها به سمت تعدیل و اصلاح باشد (استوارت و جونز، ۲۰۰۹).

به این ترتیب با اعمال تکنیک‌هایی از این درمان، افراد اعتبار و صحت و سقم باورها و تجاربی که شواهد تأییدکننده ندارد را زیر سؤال می‌برند این تبیین همسو با نظریه‌های تنظیم شناختی هیجان است که معتقدند بسیاری از هیجان‌ها مستلزم ارزیابی‌های شناختی هستند. همچنین اثربخشی تحلیل رفتار متقابل در انواع روابط بخصوص روابط مکمل، متقاطع و نهفته، افراد را در نحوه برقراری ارتباط مؤثر یاری می‌نماید. به عبارتی تحلیل رفتار متقابل افراد را به مهارت‌های ارتباطی مناسب مجهز می‌سازد تا با تشخیص "حالات من" خود و دیگران به ویژه با توجه به سرنخ‌های کلامی و غیر کلامی بتوانند ارتباط مکمل مناسبی را برقرار نمایند. همچنین با استفاده از تکنیک‌های پس‌راندن "والد" طرف مقابل، بتوانند در موقعیت‌های احتمالی تعارض‌زا، به خوبی با نظارت "بالغ" تقویت‌شده خود موقعیت را اداره نموده، شرایط را برای برقراری روابط سازنده و نه تخریبی فراهم سازند (برن، ۱۹۶۱). نظریه تحلیل رفتار آموزه‌هایی در زمینه نوازش و راهکارهای ارائه نوازش، صمیمیت، بیان آزاد احساسات و خودافشائی، پرهیز از سرزنش طرف مقابل و پذیرش همدیگر ارائه می‌کند که می‌تواند تقابل منفی بین زوجین را کاهش دهد. افزایش بهبودی در نشخوار فکری و افکارمنفی درباره خیانت و استفاده از راهبردهای شناختی سازگار هیجان‌زدان آسیب دیده از خیانت همسر، شاید به دلیل ماهیت آموزش خودیاری در ارتباطات اجتماعی و درمان عمیق‌تر تحلیل رفتار باشد زیرا هدف نهایی این درمان، آن است که افراد، خود بتوانند با در پیش گرفتن پیش‌نویس‌ها، وضعیت‌های زندگی سالم‌تر و ارتباطات مناسب، مشکلات و نیازهای عاطفی و هیجانی خود را برطرف نمایند. تحلیل رفتار به جای نسبت دادن مشکلات هیجانی به افکار خود آیند، بر ریشه تحول، وضعیت زندگی، پیام‌های پیش‌نویس و نمایشنامه زندگی تأکید دارد (استوارت و جونز، ۲۰۰۹). آموزش‌های تحلیل رفتار در جوی صمیمانه و همراه با احساساتی مثبت، موجب پیش‌بردن زنان آسیب دیده از شناخت سرد به

شناخت گرم و سهولت در رسیدن به پیش‌نویس زندگی می‌شوند، و در نتیجه موجب اشتیاق زنان آسیب دیده در پیگیری درمان و بهبودی بیشتر می‌گردد. فنون تحلیل رفتار، مخصوصاً در احیای کودک درون، همزیستی روانی، پیش‌نویس زندگی و بازی‌ها شبیه «تخلیه هیجانی» فروید، «خاطرات بطنی» کوبی و «پدیده قطعه گیجگاهی» پنفیلد است. این فنون داغ‌باعث تخلیه هیجانی شدید زنان آسیب دیده از طرحواره‌های ناسازگار هیجان‌ات می‌شود. درمانگر به نوعی با بازوالدینی حمایتگرانه، به زنان آسیب دیده کمک می‌کند تا در جهت اصلاح احساس‌ها و پیش‌نویس خود گام بردارد (استوارت و جونز، ۲۰۰۹؛ جیمز و جانگوارد، ۲۰۰۵).

همچنین ضمن همدلی با نمایش زندگی زنان آسیب دیده، آنها را با این واقعیت مواجه می‌کند که پیش‌نویس زندگی‌شان نتیجه بخش نیست، تا بتوانند پیش‌نویس بهتری اتخاذ کنند. زنان آسیب دیده در فرآیند درمان مراحل طی می‌کنند تا به شناخت بیشتری از مشکل خود برسند، و تغییرات مثبت و پایداری را در خود به وجود بیاورند. در واقع در سه حالت شخصیتی والد، بالغ، کودک فرد شروع به تغییرات می‌کند و روز به روز بیشتر به حل مسئله می‌پردازد بدون اینکه وارد پیش‌نویس شود، پس از آن به کنترل اجتماعی (با تشخیص خود به عنوان مشکل، مسئولیت اعمال خویش را به عهده گرفته، و رفتار خود مختار را افزایش می‌دهند)، سپس به درمان انتقال و در نهایت به درمان پیش‌نویس و آزاد شدن از سیستم تخریب می‌رسند (کورو و همکاران، ۲۰۱۰). گروه درمانی تحلیل رفتار شرایطی را فراهم می‌آورد تا زنان آسیب دیده، مشکلات خود را در حضور دیگران حل و فصل کنند، واکنش دیگران را به رفتار خود ببینند و هنگامی که شیوه‌های پاسخ‌دهی‌شان رضایت‌بخش نیست روش‌های تازه‌ای در پیش گیرند. همچنین از طریق تعامل با یکدیگر و خودافشایی، دریافت حمایت و همدلی و احساس درد مشترک می‌توانند در مورد مسائلشان به فهم و بینش وسیع‌تری دست یابند و بهتر با آنها کنار آیند (استوارت و جونز، ۲۰۰۹). بازسازی شناختی در ارتباط بالغ به فرد آسیب دیده اجازه می‌دهد تا پیام‌ها را که تغییر دادن تفسیر رویدادها، می‌تواند پاسخ‌های هیجانی را اصلاح کرده و بدین ترتیب در هنگام تجربه کردن یک هیجان ناخواسته، حس کارآیی بالاتری را القا کند. همچنین با تسلط بر "بالغ" این افراد را یاری می‌دهند تا به نحوی اثربخش‌تر، از حمایت اجتماعی، پذیرش و کاهش برانگیختگی، حل مساله، فعال‌سازی رفتاری،

خودافشاسازی و در عین حال افزایش تفرّد و استقلال و کمک به زنان تحت آموزش برای رسیدن به خود پیروی و رها شدن از الگوهای ناکارآمد و مخرب می‌پردازد که این امر با ایجاد امید و حسن نیت نسبت به خود، دیگری و دنیا و تصحیح ارتباط نا سالم با همسر (نظیر بازی‌ها، فقدان مسئولیت‌پذیری یا ناامیدی ناشی از پیش نویس‌های ناکارآمد)، با اتخاذ وضعیت سالم زندگی در طی یک فرآیند اصلاح درون فردی- میان فردی، می‌تواند به شرایطی منجر شود که این زنان بتوانند روابط مناسب‌تر و بهتری با همسر خود داشته و صمیمیت زناشویی بیشتری را تجربه نمایند. تحلیل رفتار متقابل با آموزش چگونگی تحلیل روابط، به خصوص انواع روابط مکمل، متقاطع و نهفته، افراد را با نحوه برقراری ارتباط مؤثر آشنا می‌کند.

### منابع

- اکبری، ابراهیم؛ پور شریفی، حمید؛ عظیمی، زین؛ فهیمی، صمد (۱۳۹۱). اثر بخشی پروه درمانی تحلیل رفتار متقابل بر افزایش رضایتمندی، سازگاری، احساسات مثبت و صمیمیت زوج‌های دارای تجربه طلاق عاطفی. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۲(۴)، ۴۸۴-۴۵۵.
- بشارت، محمد علی؛ تاج دین، ساره؛ غلامعلی لواسانی، مسعود (۱۳۹۸). نقش میانجی‌گر دشواری نظم‌جویی هیجان در رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی و تعارضات زناشویی. *مجله علوم روان‌شناختی*، ۱۶(۶۱)، ۴۴-۲۰.
- ثنایی، باقر (۱۳۷۹). *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*، تهران: انتشارات بعثت.
- جونز، ون؛ استوارت، یان (۱۳۹۰). *تاملی در روان‌شناسی تجربی تحلیل رفتار متقابل*. ترجمه بهمن دادگستر. تهران، نشر دایره.
- حسنی، جعفر (۱۳۸۹). *خصوصیات روان‌سنجی پرسشنامه نظم‌جویی شناختی هیجان*. *مجله روانشناسی بالینی*، ۳، ۷۳-۸۳.
- حسنی، جعفر؛ میر آقایی، علی محمد (۱۳۹۱). *رابطه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان با ایده‌پردازی خودکشی*. *روانشناسی معاصر*، ۱(۱)، ۷۲-۶۱.
- خدایی، راهله؛ بزازیان، سعیده؛ جعفری، اصغر (۱۳۹۴). *اثر بخشی آموزش تحلیل ارتباط محاوره‌ای در خودپنداره و عاطفه مثبت و منفی زنان*. *مطالعات زن و خانواده*، ۳(۲)، ۱۸۵-۲۰۳.
- رضا پور میر صالح، یاسر؛ امینی، ابراهیم؛ آیین پرست، ندا و حشمتی، فاطمه (۱۳۹۳). *اثر بخشی درمان مبتنی بر دل‌بستگی بر عملکرد خانواده*

بازسازی شناختی و رفتارهای سازگارانه استفاده کنند. از سونی زنان آسیب دیده در گروه با بررسی پیش‌نویس زندگی و پیام‌های والد و کودک خود، از هیجان‌ات مربوط به شرمندگی با احساس گناه، و تأثیر باورها و شناخت و احساسات‌های منفی بر زندگی کنونی‌شان آگاه می‌شوند. توانایی مدیریت هیجان‌ها با "من بالغ" باعث می‌شود که این افراد در موقعیت‌هایی هجوم افکار منفی، از راهبردهای مقابله‌ای مناسب استفاده کنند، افرادی که بالغ قوی‌تری دارند هیجان و افکار منفی خود را بهتر مهار می‌کنند و در نتیجه در برابر افکار منفی مقاومت بیشتری نشان می‌دهند.

بعلاوه همانطور که در بخش یافته‌ها گزارش شد آموزش تحلیل رفتار متقابل بر افزایش نمرات صمیمیت زناشویی زنان آسیب‌دیده از خیانت همسر تأثیر داشت. این یافته را می‌توان با نتایج پژوهش‌های شی و یپ (۲۰۱۶)، نو شادی و معتمدی (۲۰۱۶)، خدایی و همکاران (۲۰۱۶)، صادقی و همکاران (۲۰۱۳)، اکبری و همکاران (۲۰۱۳)، سودانی و همکاران (۱۳۹۱). دی‌گراف و لوی (۲۰۱۷) و هنری (۲۰۱۴) همسو دانست. تعامل در زوج‌های خیانت دیده، اغلب با رفتار منفی متقابل مشخص می‌شود. آموزه‌های تحلیل رفتار متقابل در زمینه نوازش و راهکارهای ارائه نوازش صمیمیت، بیان آزاد احساسات و خودافشایی در فضایی توأم با امنیت روانی و همدلی متقابل، می‌تواند تقابل منفی موجود در میان همسران خیانت دیده را کاهش دهد. آموزه‌های تحلیل رفتار متقابل با تقویت "من بالغ"، آموزش شیوه حل مسئله و تدوین قرارداد، موجب تفاهم بیشتر و کوشش بارزتر برای حل مسائل میان فردی می‌شود و با توجه به آن که مهارت‌های هیجانی می‌تواند بر فرآیند صمیمیت تأثیر گذارد، تحلیل رفتار متقابل که مجموعه قابلیت‌های عاطفی همچون توانایی آرام شدن و آرام کردن طرف مقابل، همدلی، همدردی و خوب گوش دادن را تقویت می‌کند، می‌تواند موجب افزایش مهارت هیجانی و در نتیجه صمیمیت زناشویی می‌گردد.

از طرفی آموزش تحلیل رفتار متقابل به مراجعین اجازه می‌دهد تا به کشف موضوع‌ها و مفاهیم خویشتن‌پردازند. پرداختن به موضوع‌ها و مفاهیم درونی به بینش، شناخت خود، شکستن مقاومت‌ها و در نهایت درمان نشانه‌ها منجر می‌شود. به نظر می‌رسد آموزه‌های تحلیل رفتار متقابل با ایجاد آموزه‌هایی در رابطه با ایجاد نیت و انگیزه‌های مثبت نسبت به یکدیگر، به بهبود مهارت‌های حل مسئله، ارتقای مهارت‌های هیجانی، اصلاح عملکردهای شناختی و افزایش



- betrayal. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 73(1), 144-150
- Baucom, D.H., Snyder, D.K. & Grodon, K.C. (2009). *Helping couples get past the affair: a clinician's guide*, New York: Guilford Press.
- Bloch, L., Haase, C. M., & Levenson, R. W. (2014). Emotion regulation predicts marital satisfaction: More than a wives' tale. *Emotion*, 14(1), 130-144
- Bögels, S.M. & Brechman-Toussaint, M. L. (2006). Family issues in child anxiety: attachment, family functioning, parental rearing and beliefs. *Clinical Psychology Review*, 26(7), 834-56 .
- Ciarrochi, J., Scott, G., Deane, F. P., & Heaven, P. C. (2003). Relations between social and emotional competence and mental health: A construct validation study. *Personality and Individual Differences*, 35(8), 1947-1963.
- De Graaf A. Levy J. (2017). Are Transactional Analysis Training Program Groups Sufficiently Disturbing? *Transact Anal J*.46(3):222-31.
- Garnefski, N., & Kraaij, V. (2006). Relationships between cognitive emotion regulation strategies and depressive symptoms: A comparative study of five specific samples. *Personality and Individual Differences*, 40(8), 1659-1669.
- Garnefski, N., Boon, S., & Kraaij, V. (2003). Relationships between cognitive strategies of adolescents and depressive symptomatology across different types of life event. *Journal of Youth and Adolescence*, 32(6), 401-408.
- Garnefski, N., Kraaij, V. & Spinhoven, P. (2002). *Manual for the use of the Cognitive Emotion Regulation Questionnaire: A questionnaire measuring cognitive coping strategies*. Leiderdorp: The Netherlands: DATEC.
- Garnefski, N., Kraaij, V., & Spinhoven, P. (2001). Negative life events, cognitive emotion regulation and emotional problems. *Personality and Individual Differences*, 30, 1311-1327.
- Berne, E. (1961). *Transactional analysis in psychotherapy*. New York: Grove Press, p. 198.
- Gordon, K.C. & Baucom, D.H. (2004). Understanding betrayals in marriage: A synthesized model of forgiveness. *Journal of Fam Process*, 37(4), 425-449.
- Gross, J. (2007). Emotion regulation: Affective, cognitive, and social consequences. *Psychophysiology*, 39(3), 281-291.
- Gurman, A.S., LeBow, J.L., & Snyder, D.K. (Eds.). (2015). *Clinical Handbook of Couple Therapy*. New York, NY: The Guilford Press.
- Halford, W.K., Sanders, M.R. & Behrens, B.C. (2001). Can skills training prevent relationship problems in at-risk couples? Four-year effects of a behavioral relationship education problems. *American Journal of Family Psychology*, 15(4), 750-768.
- Hawkins, A.J., Willoughby, B.J. & Doherty, W.J. (2012). Reasons for Divorce and Openness to Marital
- مادران دارای سبک دلبستگی ناایمن. *مطالعات روان‌شناسی بالینی*، ۱۵(۱۵)، ۱۰۵-۱۲۶.
- سادات آقایی، زهرا؛ حاتمی، حمیدرضا؛ درتاج، فریبرز؛ اسدزاده، حسن (۱۳۹۸). مقایسه اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد و درمان راهحل محور بر نظم‌جویی هیجان زوجین. *مجله علوم روانشناختی*، ۱۷(۶۸)، ۵۱۴-۵۰۹.
- سودانی، منصور؛ دهقانی، مصطفی؛ دهقان زاده، زهرا (۱۳۹۱). اثربخشی آموزش تحلیل رفتار متقابل بر دلزدگی و کیفیت زندگی زناشویی زوجین. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۲(۳)، ۱۸۰-۱۶۰.
- سودانی، منصور؛ مهرابی زاده هنرمند، مهناز؛ سلطانی، زیبا (۱۳۹۱). اثربخشی آموزش تحلیل رفتار متقابل بر افزایش عملکرد زوجهای ناسازگار. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۲(۳)، ۲۶۸-۲۸۷.
- شفیع آبادی، عبدالله؛ ناصری، غلامرضا (۱۳۹۰). نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- صادقی، مسعود؛ احمدی، سیداحمد؛ بهرامی، فاطمه؛ اعتمادی، عذرا؛ پورسید، سیدرضا (۱۳۹۲). بررسی تاثیر آموزش به شیوه تحلیل رفتار متقابل بر سبک‌های عشق ورزی زوجین. *پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری*، ۲(۵)، ۸۴-۷۱.
- فتحی، منصور؛ پروین، ستاره؛ جوادیان، سید رضا. (۱۳۹۵). مقایسه علل بی‌وفایی مردان و زنان در روابط زناشویی: یک مطالعه کیفی. *تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۵(۴)، ۴۱۸-۴۰۱.
- فتوحی، سکینه؛ میکائیلی، نیلوفر؛ عطا‌دخت، اکبر؛ حاجلو، نادر. (۱۳۹۶). اثربخشی زوج درمانی مبتنی بر فراهیجان بر سازگاری و دلزدگی زناشویی در همسران دارای تعارض. *فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده*، ۱۲(۳۹)، ۶۴-۴۵.
- نوشادی، شمسیه؛ و معتمدی، هادی. (۱۳۹۲). اثر بخشی آموزش گروهی تحلیل رفتار متقابل بر افزایش رضایت زناشویی. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۱۵(۵۷)، ۹۴-۷۳.
- Akbari I, Poursharafi H, Azimi Z, Fahimi S, Amiri Maktabi A. (2013). The Investigation of the Effectiveness of Group Therapy of Interpersonal Behavior Analysis on Increasing Satisfaction, Adjustment, Positive emotions, and Intimacy of Couples Experiencing an Emotional Divorce. *Family Counseling Psychotherapy*, 2(4), 455-85
- Atkins, D. C., Baucom, D. H., & Jacobson, N. S. (2001). Understanding infidelity: correlates in a national random sample. *Journal of Family Psychology*, 15(4), 735-49.
- Atkins, D. C., Eldridge, K. A., Baucom, D. H., & Christensen, A. (2005). Infidelity and behavioral couple therapy: optimism in the face of



- work. *The Family Journal: Counseling and Therapy for Couples and Families*, 16(1), 13-19.
- Stewart, L., Joines, V. (2009). *Today: A new introduction to transactional analysis*. 3ed. North Carolina: Life space Publication.
- Vinella, P. (2013). Transactional analysis counseling groups: Theory, practice, and how they differ from other TA groups. *Transactional Analysis Journal*, 43(1), 68-79.
- Widdowson, M. D. J. (2014). Transactional analysis psychotherapy for a case of mixed anxiety & depression: A pragmatic adjudicated case study– ‘Alastair’. *International Journal of Transactional Analysis Research*, 5(2), 66-76.
- Reconciliation. *Journal of divorce Remarriage*, 53(6), 453-463.
- Honari R. (2014). The Effect of Transactional Analysis Group Training on Marital Satisfaction of Men and Women referring to the Counseling Centers and Cultural Centers in Isfahan. *Current Research Journal of Biological Sciences*, 6(6), 208-14.
- Honari, R. (2014). The Effect of Transactional Analysis Group Training on Marital Satisfaction of Men and Women referring to the Counseling Centers and Cultural Centers in Isfahan. *Current Research Journal of Biological Sciences*, 6(6), 208-214.
- Johnson, S. M. (2004). *The practice of emotionally focused couple therapy: Creating connection*. New York: Brunner –Routledge.
- Klacsman, A. N. (2007). *Recovering from infidelity: Attachment, Trust, Shattered Assumptions, and Forgiveness from a Betrayed Partner's Perspective*. USA: ProQuest.
- Korver, N., Meijer, C., & Haan, L.D., (2010). The relationship between insecure attachment and psychotic symptoms: preliminary results. *Schizophrenia Research*, 117(2-3), 521.
- Liu, Q., Nagata, T., Shono, M., & Kitamura, T. (2009). The effects of adult attachment and life stress on daily depression: a sample of Japanese university students. *Journal of Clinical Psychology*, 65(7), 639-652.
- Makinen, J. A., & Johnson, S. M. (2006). Resolving attachment injuries in couples using emotionally focused therapy: Steps toward forgiveness and reconciliation. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 74(6), 1055 – 1064.
- Nayeri, A., Lotfi, M., & Noorani, M. (2014). The effectiveness of group training of transactional analysis on intimacy in couples. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 152, 1167-1170.
- Omarzu, J., Miller, A.N., Schultz, CH. & Timmerman, A. (2012). Motivations and Emotional Consequences Related to Engaging in Extramarital Relationships. *International Journal of Sexual Health*, 24(2), 154-162.
- Pallant, J. (2013). *SPSS survival manual*. McGraw-Hill Education (UK).
- Patrick, S., Sells, J. N., Giordano, F. G., & Tollerud, T. R. (2007). Intimacy, differentiation, and personality variables as predictors of marital satisfaction. *The family journal*, 15(4), 359-367.
- Sh, J., & Yp, G. C. (2016). Iatrogenic non-clostridial gas gangrene-a case report. *The Medico-legal journal*, 84(1), 49-51.
- Shackelford TK.(2001).Cohabitation &marriage. *Aggressive Behavior*. 27:261-284.
- Snyder, D.K, Baucom ,D.H. & Gordon, K.C. (2007). *Treating infidelity: An integrative approach to resolving trauma and promoting forgiveness* *Infidelity: A practitioner's guide to working with couples in crisis*. New York, NY: Routledge.
- Stefano, J. D., & Oala, M. (2008). Extramarital affairs: Basic considerations and essential tasks in clinical